

وقتي که از اسب فرو افتاد، زمین آبرو گرفت

قسم به ذوالجلال لب هاي تشنه ات که در کنار نهر فرات، معرفت را سر کشید اما آب را سر نکشید.



جام جم آنلایین: قسم به ذوالجلال لب هاي تشنه ات که در کنار نهر فرات، معرفت را سر کشید اما آب را سر نکشید. این آسمان غبار گرفته از ماتم تو، بعد از هجرت قمر بني هاشم، ناي مهمان نوازي هيچ ماه ديگري را ندارد. سهي قدان عشق در برابر ارتفاع جوانمردی ات زانو زدند، آن دم که مشك سیراب را به دوش کشیدی، لب دوختي و طفلان حسين را به خاطر آوردی. دست هاي سنان خورده را چنان به سقايي مولایت سوگند دادی که يك قدم مانده تا عروج، سقايي نیمه جان بر مرکب ماند اما دیگر دستي نماند!

حقیقتا که مقام خلیفه الهی زمین، بایسته ابوالفضل است که تطاول کربلا را به عافیت دنیا نفروخت و شمشیر ایستادگی را تا آخرین نفس در نیام نکشید.

پاك ضمیري که به فراخنای تمام تاریخ، "باب الحوائج" است و با گوشه وساطتی از سوي او، هر فعل ناممکنی، رخت می بندد.

به تاسوعای حسینی که نزدیک می شویم، خیمه هاي سوخته هم بهانه عباس را می گیرند. این روزها گوشه و کنار ایران پهناور، غرق در سوگ فخر خاندان علی است.

خون هاي بر خاك ريخته شاهد بود که میان خرقة سالوسیان سپاه کفر و ردای معصومیت عباس، چه فاصله ای از فرش تا عرش، بیداد می کرد.

شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی، نجوای درونی حضرت ابوالفضل و عظمت کار قدوسی اش را به نیکی توصیف می کند.

"ای نفس ابوالفضل! می خواهم بعد از حسین زنده نمایی. حسین شربت مرگ می نوشد، حسین در کنار خیمه ها با لب تشنه ایستاده باشد و تو آب بیاشامی! پس مردانگی کجا رفت، شرف کجا رفت، مواسات و همدلی کجا رفت؟ مگر حسین امام تو نیست، مگر تو ماموم او نیستی، مگر تو تابع او نیستی؛ هیئات! هرگز دین من چنین اجازه ای به من نمی دهد، هرگز وفاي من چنین اجازه ای به من نمی دهد."

حضرت عباس، فرزند شیر خدا بود و در جنگ هاي صفین و نهروان نیز دوشادوش پدر شمشیر زد.

جعفر، عبدالله و عثمان، سه برادر دیگر سقاي کربلا بودند که آنان نیز در نبرد با جبهه باطل به فیض قرب الهی در کربلا مفتخر شدند.

فرزند 15 ساله حضرت ابوالفضل نیز در صحرای کربلا به نبرد با قاتلان دین خدا شتافت و او نیز همسان پدر به مقام شامخ شهادت نایل شد.

شهید بهشتی در فرازی از سخنرانی اش به جملات زیبایی از امام حسین اشاره می کند که نشان می دهد حضرت ابوالفضل با اختیار و اشتیاق تمام، شهادت در راه معبود را در آغوش کشیده است.

"ای برادر من عباس، فردا دیگر برای برادرت حسین یا خواهرت زینب نجنب جنگ، من به عنوان قوم و خویشی و برادری از تو کمال سپاسگذاری را دارم. اینان (دشمنان) هم با من کار دارند. اگر می خواهی بروی برو. من از تو گله ندارم. اگر می خواهی بمانی بمان ولی نه برای حسین، این بار برای هدف حسین و خدای حسین بمان!"

بی تردید، فلسفه حیات پایدار شیعه را باید در همین فرهنگ تاسوعا و عاشورای حسینی جستجو کرد. جهاد در برابر رجاله هاي نفس پرست و ظالم را تفکر شیعی می آموزد و الگوی این نگاه جهادی را به خوبی می توان در مکونات حماسه کربلا یافت.

امام خمینی (ره) در اهمیت ارتباط اسلام و کربلا فرمودند: این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

درس کربلا و عباسش، درس مقاومت در برابر عداوت ظالمانه است. یعنی مقاومت در برابر آن عداوتی که از روی جهل و خود بزرگ بینی، حق خدا را ناحق جلوه می دهد و در تکثیر اندیشه های باطلش می کوشد.

رمز ماندگاری شیعه را باید در ترویج پیام "امر به معروف و نهی از منکر" کربلا دانست. چنین نگاه آموزنده ای به حماسه کربلا و جان فشانی های ابوالفضل است که اسوه ساز بوده و شیعه را به مذهبی ظلم ناپذیر مبدل کرده است.

کربلا، مکتبی برای گزینش طریق آزادی است و گرنه علمدار بیرق حق را چه نیاز است به سوگواری ما؟!

این که کبش الکتیبه ی میدان کربلا، هفت شهر عشق را به طرفه العینی می پیماید و در لبیک گفتن به ندای حق، لحظه ای درنگ نمی کند، پرییمان از ناگفته هاست.

بی باک بودن در مواجهه با همجمله های نا اهلان و پایداری مطلق در راه دین خدا، پیام همیشگی تاسوعا و عاشورای کربلاست که فرهنگ شیعه را تا ابد از تحریف و اضمحلال می رهند.

امین جلالوند خبرنگار جام جم آنلاین

لطفاً صبر کنید ...
<form/>